**بلا فی سبيل اللّه و اجر و نتائج آن**

**حضرت بهاءالله:**

1 - " يا ابن الإنسان المحّب الصّادق يرجو البلاء کرجاء العاصي إلی المغفرة والمذنب‌ إلی الرّحمة " (کلمات مکنونه عربي، 49)

2 - " يا ابن الإنسان إن لا يصيبک البلاء في سبيلي کيف تسلک سبل الرّاضين في رضائي وإن لا تمسّک المشقّة شوقا للقائي کيف يصيبک النّور حبّا لجمالي " (کلمات مکنونه عربي، 50)

3 - " يا ابن الإنسان بلائي عنايتي ظاهره نار ونقمة وباطنه نور ورحمة فاستبق إليه لتکون نورا أزليّا وروحا قدميّا وهو أمري فاعرفه " (کلمات مکنونه عربي، 51)

4 - " يا ابن الإنسان وجمالي تخضّب شعرک من دمک لکان أكبر عندي عن خلق الکونين وضياء الثّقلين فاجهد فيه يا عبد " (کلمات مکنونه عربي، 47)

5 - " يا ابن الإنسان فکّر في أمرک وتدبّر في فعلک أتحبّ أن تموت علی الفراش أو تستشهد في سبيلي علی التّراب وتکون مطلع أمري ومظهر نوري في أعلی الفردوس فأنصف يا عبد " (کلمات مکنونه عربي، 46)

6 – " فاعلموا بأنّ‌ البلايا والمحن لم يزل کانت موکّلة لأصفياء اللّه وأحبّائه ثمّ لعباده المنقطعين الّذين لا تلهيهم التّجارة ولا بيع عن ذکر اللّه ولا يسبقونه بالقول وهم بأمره لمن العاملين . کذلک جرت سنّة اللّه من قبل ويجري من بعد فطوبی للصّابرين "

(سوره ملوک - ص ٢٨ الواح نازله بملوک)

7 – " الحُزنُ لِأَوْلِياءِ اللهِ وَأَصْفِيَائِهِ وَالبَلَاءُ لِأَحِبَّاءِ اللهِ وَأُمَنَائِهِ " (زيارتنامه حضرت سيد الشهداء، ايام تسعه، ص 235)

8 - " قد جعل اللّه البلاء غادية‌ لهذه الدّسکرة الخضراء وذبالة لمصباحه الّذي به أشرقت الأرض والسّماء "

 (لوح سلطان ايران - ص ١٩١ الواح نازله خطاب بملوک)

9 - " لم يزل بالبلاء علا أمره وسنا ذکره هذا من سنّته قد خلت في القرون الخالية والأعصار الماضية "

(لوح سلطان - ص ١٩٧ الواح نازله بملوک)

10 - " چون مؤمنين و محبّين بمنزله اغصان و اوراق اين شجره مبارکه هستند لهذا هر چه بر اصل شجره وارد گردد البتّه بر فرع و اغصان و اوراق وارد آيد . اينست که در جميع اعصار اينگونه صدمات و بلايا از برای عاشقان جمال ذوالجلال بوده و خواهد بود"

(ص ٣٤٣ مجموعه الواح حضرت بهاءاللّه و ص ٤٢ ج ٤ مائده آسمانی ط ١٢٩ بديع)

11 - " اگر ناس بديده بصيرت ملاحظه نمايند مشهود شود که اين محن و بلايا و مشقّت و رزايا که بر مخلصين و مؤمنين نازل و وارد است عين راحت و حقيقت نعمت است و اين راحت و عزّت معرضين از حقّ نفس مشقّت و عذاب و زحمت است زيرا که نتيجه و ثمره اين بلايا راحت کبری و علّت وصول برفرف اعلی است و پاداش و اثر اين راحت ، زحمت و مشقّت عظمی است و سبب نزول در درک سفلی " (ص ٣٤٤ مجموعه الواح حضرت بهاءاللّه)

12 - " رنج را در راه حضرت يزدان راحت دان . هر دردی در راه او درمانيست بزرگ و هر تلخی شيرين و هر پستی بلند . اگر مردمان بيابند و بدانند جان رايگان در راه اين رنج دهند . اين رنج مفتاح گنج است . اگر در ظاهر منکر است در باطن پسنديده بوده و هست " (ص ٦٧ دريای دانش)

13 - " ابدا از امورات وارده محزون مباش فو الّذي نفسي بيده که اگر عوالم لا يتناهی الهی منحصر باين عالم بود و نعمتش مخصوص آنچه در دنيا عند اهلش مشهود است ، ابدا خود را در بلايای لا يحصی معذّب نمی ساختم . فکر در انبيای مقرّبين نما و در ضرّی که بر هر يک در سبيل الهی وارد شده قسم بقلم قدم که در هر نفسی اقلّ من ذرّه شعور باشد بذکر اين بيان و تفکّر در آن ابدا بدنيا اعتناء ننمايد و از وجود و فقدانش محزون نگردد " (ص ١٣٥ دريای دانش)

14 - " محبّان کوی محبوب و محرمان حريم مقصود از بلا پروا ندارند و از فضا احتراز نجويند ، از بحر تسليم مرزوقند و از نهر تسنيم مشروب . رضای دوست را بدو جهان ندهند و قضای محبوب را بفضای لامکان تبديل ننمايند . زهر بليّات را چون آب و حيات بنوشند و سمّ کشنده را چون شهد روح بخشنده لاجرعه بياشامند . در صحراهای بی آب مهلک بياد دوست موّاجند و در باديه های متلف بجانفشانی چالاک . دست از جان برداشته اند و عزم جانان نموده اند چشم از عالم بربسته اند و بجمال دوست گشوده اند . جز محبوب مقصودی ندارند و جز وصال کمالی نجويند . به پر توکّل پرواز نمايند و بجناح توسّل طيران کنند . نزدشان شمشير خونريز از حرير بهشتی محبوب تر است و تير تيز از شير امّ مقبول تر زنده دل بايد در اين ره صد هزار تا کند در هر نفس صد جان نثار " (از لوح مبارک شکر شکن ص ٨ - ١٤٧ دريای دانش)

15 - " نفسی که لحبّ اللّه از نفسی برآيد در عالم اثر عظيم دارد تا چه رسد ببلايا و رزايائی که در سيبيل اللّه بر نفسی وارد شود" (ص ٤٨ ج ٨ مائده آسمانی ط ١٢١ بديع)



**حضرت عبدالبهاء:**

1 - " هر اذيّت و جفا که در سبيل مير وفا وارد شهد بقاست و مو هبت عظمی . ظلم و ستم و درد و غم در مذاق عاشقان جمال قدم خوشترين نعم است زيرا در سبيل جانانست و رزق دل و جال . ولی ستمکار را عقوبت پايدار است و عذاب نيران و نار و قنا ربّنا عذاب النار (\*) عاقبت مظلوم معزّز گردد و ظالم مغبون شود و مکروب "

(ص ١٤٩ ج ٢ منتخباتی از مکاتيب - (\*) مضمون آيات ٢٠١ سوره بقره و ١٦ و ١٩١ آل عمران)

2 - " از فضل خداوند مهربان اميدوار است که ياران مقاومت مصائب بی پايان نمايند و مانند عبدالبهاء در هر دمی دل و جان فدای جانان کنند از هيچ بلائی نلغزند و بهيچ مصيبتی نلرزند و صمت و سکوت نپسندند بلکه مانند ذهب ابريز در آتش تند و تيز رخ برافروزند بلا را در سبيل بها عين عطا شمرند و مصيبت را در ره حضرت احديت عين موهبت دانند " (ص ٤٠ نار و نور)

3 - " اميدواريم که اين مشقّات جسمانيه راحت و مسرّت روحانيّه آرد و اين آتش سوزان عوانان روح و ريحان قلب و وجدان آرد اين عسرت علّت مسرّت گردد و اين زحمت باعث رحمت شود و اين نقمت سبب نعمت جاودانی گردد و اين تنگی سجن گشايش جهان الهی شود قسم بسلطان وجود و عالم غيب و شهود که اين بليّات سبيل محبوب از جان عزيز تر است و از شهد و شکر لذيزتر " (ص ٨٧ ج ٥ مائده آسمانی ط ١٢٩ بديع)

4 - هو اللّه

 ای عباد حق و اماء رحمان

عشق ز اوّل سرکش و خونی بود تا گريزد آنکه بيرونی بود

از لوازم حبّ صادق تحمّل بلايا و محن سابق و لاحق است عاشق مفتون همواره آغشته بخون است و مشتاق ديدار هميشه آواره ديار فنعم ما قال

عاقلان خوشه چين از سرّ ليلی غافلند کين کرامت نيست جز مجنون خرمن سوز را لهذا در جميع قرون و اعصار ابراز هدف تير بلا بودند و مقتول سيف جفا . گاهی جام بلا نوشيدند و گهی سمّ جفا چشيدند و دمی آسايش و راحت نديدند و نفسی در بستر عافيت نيارميدند بلکه عقوبت شديد ديدند و بار محنت هر يزيد کشيدند و در سجن و زندان دل از جهان و جهانيان بريدند لهذا اکثر اوليای الهی در مشهد فدا شهيد گرديدند ... تحمّل بلايا و محن و شهادت در سبيل ذوالمنن از آئين ديرين عاشقانست و منتهی آرزوی مشتاقان . پس شکر کنيد خدا را که از اين ساغر جرعه ای نوشيديد و از بلايای سبيل آن دلبر سمّ قاتلی چشيديد . اين زهر نه ، شهد و شکر است و اين تلخ نه ، قند مکرّر است . فيا شوقي إلی کلّ بلاء في سبيل اللّه ويا طربا من کلّ مصيبة في محبّة اللّه ويا طوبی لمن ذاق الجفا حبّا بجمال اللّه ويا طوبی لمن خاض في بحر الرّزايا شوقا إلی لقاء اللّه ... "

(ص ٢٨ نار و نور)

5 - " ای ستمديدگان راه يزدان عوانان دست تطاول گشودند و ستمکاران قوّت بازو نمودند . گمان کنند و رأی زنند که اين بلايا توهين احبّاء اللّه و تعذيب امناء اللّه و تضييع امراللّه است فبئس ما هم يظنّون . قسم بنور نيّر اعظم که اين عذاب شهد عذب است و اين بلا موهبت کبری و اين حنظل عسل مصفّی . اين توهين تعظيم است و اين تعذيب تکريم و اين تحقير توقير و اين تضييع تأييد . ايّام بگذرد و عمر گرانمايه منتهی گردد و چون شام اجل در رسد و صبح آخرت بدمد جميع راحتها مشقّت گردد و همه سود ها زيان شود مگر بلايای ياران و مصائب مظلومان و صدمات ستمديدگان که در بازار امکان با حضرت جانان سر و سودا داشتند و سود بيکران بردند و ربح عظيم يافتند و عزّت قديم ديدند و ناز و نعيم جستند و با رخی چون مه تابان از افق ملکوت دميدند فطوبی لهم و حسن مآب " (ص ٧ - ١١٦ ج ١ توقيعات مبارکه)



**حضرت ولی امر الله:**

1 - " ای حواريون حضرت بهاءاللّه ما که باين اسم جليل موصوف و معروفيم و بهمچه مولای توانائی منسوب ، حيف است در موارد بلا مو بمو تأسّی و اقتداء بآن مظلوم بی همتا ننمائيم . فرخنده نفسی که تا نفس اخير زهر جفا از هر بيوفائی بچشيد و خجسته قلبی که در سبيل اشتهار و نصرت امرش آنی آسودگی نيافت . اينست شيوه مخلصين اينست سمة مقرّبين اينست طريقت مجاهدين اينست سزاوار جند مهتدين اينست يگانه وسيله فوز و فتح مبين " (ص ٣٣٩ منتخبات توقيعات)

2 - " هر قدر آئين مقدّس بر شهرت و اتّساع بيفزايد و صيحه پيروانش بلند تر گردد و ابّهت و سطوتش در انجمن عالم بيشتر جلوه نمايد ، انقلاباتش هائل تر و جوش و خروشش عظيم تر و فرياد و فغان اعدايش مرتفع تر و زفير افتتانش شديدتر شود و هر قدر طوفان انقلاب و غليان غلّ و بغضا در قلوب مشرکين تزايد جويد و صولت هجوم احزاب و قبائل بر جند الهی شدّت نمايد ، اشعه تأييد بر اشراق بيفزايد و بدايع قدرت قديمه و لطافت حکمت الهيّه و ظهورات غلبه و قهّاريت کلمه نافذه جامعه بر مدّعيان مکشوف تر و واضح تر گردد " (ص ٢٥ ج ٦ مائده آسمانی ط ١٢٩ بديع)

3 - " جميع خلق در صدمه و بلا ميباشند . هر کس بطريقی سعادتمند کسی است که زحمات و بلايای وارده بر او در سبيل امراللّه باشد و صبر و تحمّل نمايد " (ص ١٥ ج ٣ توقيعات مبارکه ٤٨ - ١٩٢٢)

4 - " اين امر عظيم در شرق و غرب عالم منتشر نشد مگر بسبب بلايای فی سبيل اللّه و شدّت ظلم و جور اعدا و هجوم اهل بغی و فحشاء . حال نيز چنين خواهد بود که بسبب اين بلايای وارده امراللّه صيتش مرتفع ترشود و صولتش عظيم تر ..."

(ص ٢٠ ج ٣ سالهای ٤٨ - ١٩٢٢ توقيعات مبارکه)

5 - " از ظلم و تعدّی اهل جور و عدوان محزون و دلشکسته مگرديد . روح فيّاض ممدّ شماست و تأييدات موعوده متتابعه ناصر و حافظ شما . وقت استقامت و شهامت است و يوم يوم جانبازی و فداکاری . اجرتان عنداللّه عظيم است و مقامتان در ملکوت ربّ جليل بی نظير و مثيل . پس شاد و صابر باشيد اين غيوم کثيفه متلاشی گردد و کوکب آمال در نهايت جلوه و سطوع رخ بگشايد . بنده آستانش شوقی " (ص ٢١ ج ٣ توقيعات مبارکه ٤٨ - ١٩٢٢)

6 - " نفس بلا و اذيّت و جفا بنصوص الهيّه ممهّد سبيل است و مروّج امر ربّ جليل . منادی آئين الهی است و مذکّر و منبّه نفوس غافله بايد شکرانه نمود و مطمئنّا بفضله و حکمته و قدرته بحبل صبر و شکيبائی تمسّک جست "

(ص ١١٦ج ١ توقيعات مبارکه سالهای ٢٦ - ١٩٢٢)

7 - " ای اهل بها صلا باهل نهی زنيد و در بين ارض و سماء فرياد برآريد که ای اهل عالم و ارباب ظلم و ستم يقين نمائيد که ما اهل بها آئين خود را بخون خود خريده و شهد فدا در سبيل حبّش چشيده باميدش زنده ايم و از مادونش رسته امرش را تا آخرين نفس ناصريم و بلايايش را در هر حال حامد و شاکر " . (ص ٣٤٠ منتخبات توقيعات مبارک)

8 - " حال باوجود اين موانع حاليه و متاعب و مصائب متتابعه عديده شايسته و سزاوار جند بها آنستکه سالکان سبيل اقوم در بحبوحه بلا در اجراء و ايفای وظائف مبرمه مقدّسه خويش نيز سعی کامل مبذول فرمايند هر چند مبتلا و پريشانند ، دقيقه ای از آنچه فريضه افراد اهل بهاست غفلت ننمايند و اهمال و فتور بخود راه ندهند " (ص ٣١١ ج ١ توقيعات مبارکه ٢٦ - ١٩٢٢)

9 - " ای ياران پر وفا هر قدر طوفان بلا شديد تر و ارياح محن و رزايا سوزنده تر گردد محيط اعظم امر الهی امواجش مرتفع تر و جوش و خروشش مهيب تر و درّ و لئالی افکنده اش بر ساحل وجود ثمين تر و بديع تر مشاهده شود "

(ص ٣١٠ ج ١ توقيعات مبارکه ٢٦ - ١٩٢٢)

10 - " اگر چنانچه در مستقبل ايّام آفات گوناگون آن سرزمين را احاطه نمايد و انقلابات کشوری بر تضييقات حاليه و محن وارده متواتره بيفزايد و افق آن اقليم جليل تاريک تر گردد ملول و اندوهگين مگرديد و از مسلک و منهج قويم خويش که مواظبت و سعی مستمرّ متمادی در ازدياد و استحکام و اشتهار و اعزار مؤسّسات امريّه است سر موئی منحرف مگرديد . استخلاص اين فئه مظلوم بی گناه از قيود اسارت و چنگ ارباب ظلم و عداوت ضوضاء و هيجان عمومی را مقتضی و حصول عزّت و رخا و آسايش حقيقی از برای اهل بها مقاومت و ممانعت و شور و آشوب اهل حقد و جفا را مستلزم پس اگر چنانچه تلاطم دريای بلا ازدياد يابد و طوفان محن و رزايا از شش جهت آن جمعيّت مظلوم را احاطه نمايد بحقّ اليقين بدانيد و آنی مترددّ نمانيد که ميعاد نجات و ميقات جلوه موعوده ديرينه نزديک گشته و وسائل اخيره فوز و نصرت عظمی از برای ملّت ستمديده بها در آن کشور مهيّا و فراهم شده . قدم ثابت لازم و عزم راسخ واجب تا اين مراحل باقيه طيّ گردد و مقصود و آمال اهل بها در اعلی المقامات پديدار گردد و جلوه ای حيرت انگيز نمايد هذه سنّة اللّه ولن تجد لسنّته (\*) تبديلا "

(ص ٣٤٩ منتخبات توقيعات مبارک (\*) در کتاب لسنّة اللّه درج شده ولی طبق مرقومه اداره آرشيو بيت العدل اعظم الهی لسنّته صحيح است)

****